

انیمیشن

استقبال از کتاب کمیک  
فهرست مقدس



کتاب تصویری (کمیک) فهرست مقدس، برگرفته از انیمیشن سینمایی فهرست مقدس که از دی‌ماه ۹۶ در فروشگاه‌های محصولات فرهنگی قابل دسترسی است، با استقبال مخاطبان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب مواجه شده است. به گزارش خبرگزاری فارس، به گفته مدیر بازرگانی انتشارات سلمان پاک، مخاطبان در حالی از کتاب تصویری انیمیشن فهرست مقدس بخوبی استقبال کرده‌اند که چاپ دوم آن نیز روانه بازار شده است. انیمیشن سینمایی فهرست مقدس که پاییز ۹۶ در سینماهای سراسر کشور اکران شد، روایت عاشقانه‌ای است از دل تاریخ، روایتی از یک واقعه تاریخی... دوراهی بین عشق و قدرت بین ایمان و تاریکی. این کتاب با عنوان خاکستر نجران نخستین شماره از مجموعه سه‌جلدی کتاب‌های تصویری فهرست مقدس است. کتاب خاکستر نجران برگرفته از انیمیشن سینمایی فهرست مقدس به صورت داستان مصور در ۲۲ صفحه و تمارنگی با همکاری مرکز کودک و نوجوان اوج منتشر شده است. علاقه‌مندان جهت تهیه کتاب می‌توانند به غرفه انتشارات سلمان پاک و غرفه سوره مهر (بخش کودک و نوجوان) در نمایشگاه کتاب مراجعه یا با شماره ۰۸۶۴۰۶۶۴۰ تماس حاصل کنند.

رویداد

نکوداشت «فرید» در شب وصل

نکوداشت قادر طهماسبی (فرید) از شعرای انقلاب اسلامی در سومین برنامه شب وصل برگزار می‌شود. به گزارش مهر، سومین شب وصل، سلسله نشست‌های پاسداشت بزرگان عرصه فرهنگی انقلاب اسلامی امروز شنبه ۲۲ اردیبهشت‌ماه از ساعت ۱۷ در مجتمع اسوه برگزار می‌شود. این مراسم که به همت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار می‌شود، به پاسداشت قادر طهماسبی (فرید) شاعر نام‌آشنای انقلاب اسلامی اختصاص دارد. گفتنی است قادر طهماسبی (فرید) یکی از شاعران نام‌آشنای معاصر است که از شعرهای مختلفی نظیر «سر نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود...» و «به یازده خم می‌گرچه دست ما نرسد...» در خاطر مردم و اهالی ادبیات باقی مانده است. پیش از این شب فصل به پاسداشت حمید حسام و رضا برچی اختصاص داشته است.

گیشه

رکوردشکنی فیلمشاهی‌ها

در دوران یاسی «خوک»



در هفته‌ای که گذشت ۲ فیلم سینمایی «تگزاس»، «لاتاری»، و انیمیشن سینمایی «فیلشاه» توانستند مخاطبان بیشتری را به سمت گیشه سینماهای کشور جذب کنند. به گزارش فارس، فیلم سینمایی «مصادره» با در اختیار داشتن ۴۴ سالن نمایش؛ ۱۴ میلیارد و ۱۳۰ میلیون تومان فروش داشته و در صدر گیشه اکران‌های نوروزی اول و دوم قرار دارد. همچنین فیلم‌های «لاتاری» و «به وقت شام» نیز با وجود به فکاهه می‌شود. در ادب سالن‌های معذب همچنان به فروش بالای خود ادامه می‌دهند و «فیلشاه» که پیش از این به عنوان پرفروش‌ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران لقب گرفته بود، در حال عبور از رکورد خود و رسیدن به مرز ۷ میلیاردی است که این رکوردشکنی فیلمشاهی‌ها در تاریخ سینمای ایران بی‌سابقه بوده است. براساس این گزارش، فیلم سینمایی «لاتاری» ۱۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان، فیلم سینمایی «به وقت شام» ۱۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان، فیلم سینمایی «لونه» ۷۹۰ میلیون تومان، فیلم سینمایی «نکش» ۴۸۵ میلیون تومان، فیلم سینمایی «خوک» ۱۸۷ میلیون تومان، فیلم سینمایی «آن سوی ابرها» ۵۰ میلیون تومان و فیلم سینمایی «جشن دلتنگی» ۴۵ میلیون تومان فروش داشته‌اند.

رهبر انقلاب صبح دیروز از سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بازدید کردند  
**یک بازدید حرفه‌ای**



والا و انقلابی هدایت کند و امیدواریم کتاب جایگاه حقیقی خود را در جامعه بیابد. گفتنی است، این دیدار در شرایطی رخ داد که ایشان در ۲ سال اخیر از این کار امتناع کردند و از ۴ دوره پیشین تنها سال ۹۴ به نمایشگاه کتاب تهران رفتند.

شگفتی مترجم کتابی که گمان می‌کرد رهبری اسم آن را هم نشنیده‌اند

از جمله نکات جالب نمایشگاه، حضور رهبر انقلاب در غرفه انتشارات نیلوفر و ذکر خاطره‌ای از دیدار با مترجم کتاب «خانواده تیبو» بود. در این روایت که توسط دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری منتشر شده، آمده است: «آقای رسیدند غرفه انتشارات نیلوفر، مثل همه جا خوش و بش کردند و از تازه‌ها سوال کردند. کتابی نظرشان را جلب کرد و پرسیدند این همان چهارجلدی قدیمی است؟ و جواب گرفتند بله! پرسیدند مترجمش چه کسی بود؟ گفتند ابوالحسن نجفی. آقا گفت: آها ابوالحسن نجفی... بگنایید یک ماجرای را تعریف کنم. سال‌ها قبل ابوالحسن نجفی با آقای مرحوم حبیبی و چند نفر دیگر از بزرگان ادبیات آمدند پیش ما من پرسیدم «شما مترجم «خانواده تیبو» هستید؟» آقای نجفی از اینکه من اسم این رمان را بلدم تعجب کردند. بعد که نشستیم من از رمان تعریف کردم و نقدی هم به ترجمه ایشان گفتم. آقای نجفی با تعجب بیشتر پرسید: «شما واقعا هر ۴ جلد را خوانده‌اید؟ من اصلا فکرش را نمی‌کردم شما حتی اسمش را شنیده باشید!» آقا با خنده ادامه داد: گفتم حالا خوانده بودم دیگر... خدا آقای ابوالحسن نجفی را بیامزد. کتاب خانواده تیبو رمان خیلی خوبی بود که متأسفانه در حد قدرش معروف نشده. گفتنی است، «خانواده تیبو» رمان بلندی است که توسط روزبه مارتون دوگرا، نویسنده فرانسوی و برنده جایزه نوبل ادبیات نوشته شده است. این رمان از سوی به بررسی وقایع اروپا در

از نمایشگاه اختصاص دادند، از این موضوع اظهار تأسف کردند و فرمودند: «زمان‌هایی بود که به نمایشگاه می‌آمدم و گاهی ۵ و ۶ ساعت زمان صرف می‌کردم اما در حال حاضر با توجه به اشتغال فراوان فرصت برای بازدید اندک است و اگر فرصتی بود می‌توانستم زمان بیشتری را صرف کنم». صالحی در این باره افزود: همین فرصت محدود ایشان برای حضور در نمایشگاه برای ما و اهالی نشر فرصتی مغتنم است، چرا که رهبری که اینچنین نسبت به حوزه فرهنگ، نشر و کتاب شیفته و علاقه‌مند است، مایه افتخار مردمان این سرزمین و موجب تقویت قلبی برای اهالی فرهنگ است.

حسن اتفاقی برای جناب وزیر

عدم حضور رهبر انقلاب در ۲ سال اخیر، یکی از مباحث پرچالش فرهنگی در این سال‌ها بود. بسیاری عدم حضور ایشان را مبنی بر نارضایتی و گل‌مندی رهبری از رویکردهای فرهنگی دولت و متصدیان امر- وزیران ارشد- می‌دانستند. اتفاقی که پیش از این هم رخ داده بود و رهبر انقلاب در سال‌های ۷۸ تا ۸۳ نیز از نمایشگاه کتاب بازدید به عمل نیاوردند. ایشان در همان دوران و در جمع اهالی شورای عالی انقلاب فرهنگی با انتقاد از رویکرد فرهنگی وزیر ارشد- عطاءالله مهاجرانی- اظهار داشتند: «من از وزارت ارشاد توقع دارم. البته آقای مهاجرانی- ظاهرا- نیستند و خودشان را راحت کردند از اینکه بیایند و حرف‌های ما را بشنوند؛ به هر حال، فرق نمی‌کند؛ چه ایشان باشند، چه نباشند، من اعتراض این است- این اعتراض را بارها هم گفته‌ام، الان هم در جمع شما می‌گویم- وزارت ارشاد در این دو سالی که ایشان در رأس این کار هستند، هیچ کار اسلامی به‌عنوان اسلامی ارائه نداد!» حضور نیافتن ۳ ساله رهبر انقلاب از ۴ دوره نمایشگاه که دولت یازدهم متصدی آن بوده، در حالی بوده است که دغدغه‌های فرهنگی رهبری ویژه در حیطه کتاب در میان تمام نخبگان و عامه مردم برجسته بوده و عدم حضور ایشان در نمایشگاه کتاب آن هم به صورت متوالی نمی‌تواند معنای دیگری را متبادر کند. در این میان حضور امسال ایشان که با درخواست مدیران نمایشگاه و شخص وزیر ارشاد انجام شد را می‌توان نقطه مهمی در کارنامه عباس صالحی دانست. آن سوی این اتفاق افزوده شدن بر بار مسؤولیت سیدعباس صالحی است که انتظارات از وی مبنی بر پیشبرد اسلامی و انقلابی وزارت ارشاد افزایش می‌یابد و امید است رویکردهای سیاست‌زده و امنیتی وزرای پیشین ارشاد دولت یازدهم در دوران صالحی تکرار نشود.

جایی که نه تیب اجتماعی قابل تعمیم وجود دارد و نه مطایبه فاخر:

«اگر روزی تو را می‌یافتم در کوچه تنهایی یکی می‌گفتم محکم به زیر ناکجاگاهت» البته در ادامه همین شعر وضع بهتر می‌شود و دوباره قلم اوج می‌گیرد. آنجا که به رفتارهای مبتلا به عمومی، اشاره می‌کند؛ یا طنزی سالم و قابل ارائه در یک محفل مزین: «گذشت آن روزگاری که به دقت با کمال میل سرم را می‌بردم می‌نهادم زیر پاهایت تو با این حال و احوالت چگونه درس می‌خوانی فقط یک درس تو خوب است، آن هم درس انشایت...» البته میرجعفری شاعر بسیار توانمندی است و توان مطایبه بسیار بالایی دارد. حتی مطالبات ساده او نیز خواندنی‌اند. گیرم وجهه «طنزی/ اجتماعی» خاصی هم نداشته باشند: «تو غول‌پیکری به تو باید نگاه کرد از من قوی‌تری به تو باید نگاه کرد شام تو ساده است دو نوشابه سیاه با نان بربری به تو باید نگاه کرد با صد هزار جلوه به بازار می‌روی چیزی نمی‌خری به تو باید نگاه کرد» دیگر نکته مهم در آثار این کتاب توان شاعر در دست انداختن افراد است؛ بدون نیش و ناراحتی و با کمال مهربانی. مثلاً جایی که شعرهای به اصطلاح پسامدرن را به بازی می‌گیرد: «کلاغ بود در ایوان کلاغ ایوان نیست سیاه رفت پریدن، کلاغ حیوان نیست و گفت هست نگفتم که هست اما گفت درست نیست ولی نیست نیست آهان نیست...» بس که می‌پرند از بنده که این بابا چرا؟ بس که می‌گویم که «ای بابا»... نمی‌دانم چرا... اما گاه بشدت به سمت لودگی و شوخی‌های هر چند خنداننده اما فاقد وجهه ادبی می‌رود.

کتاب

جوا آودیش، نویسنده کتاب «لیخند من انتقام من است»:

در بوسنی صحبت کردن از قتل عام بوسنیایی‌ها ممنوع است

آیسن رونمایی از ۳ کتاب «خداحافظ سساریوو»، «کارت‌پستال‌هایی از گور» و «لیخند من انتقام من است» که با موضوع جنگ بوسنی و هرز گوین که توسط انتشارات کتابستان معرفت بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد. به گزارش تسنیم، در ابتدای این مراسم آتساری، نماینده انتشارات کتابستان معرفت با اشاره به مغفول ماندن ادبیات بوسنی در ایران اظهار داشت: در چند سال اخیر کتاب‌هایی که در حوزه بوسنی ترجمه شده دارای انحرافات از جریان بوسنی است و با توجه به اینکه در فضای حاکم بر بوسنی ادبیات اروپایی حاکم است، لذا تصویری که از ادبیات بوسنی داریم این نیست که در حال مطالعه کتاب «زمنندگان حزب‌الله» هستیم. جوا آودیش، نویسنده کتاب «لیخند من انتقام من است» اظهار داشت: به دنبال این بودم گوشه‌ای از مسؤولیت خود را درباره فرهنگ زنده نگه داشتن یاد قربانیان این واقعه و جلوگیری از فراموشی‌اش کنم. وی در ادامه اظهار داشت: این کتاب در سال ۲۰۱۶ در بوسنی منتشر شد و کمتر از یک‌سوم به چاپ دوم رسید و پس از آن به انگلیسی و فارسی ترجمه شده است. هدف نهایی من آن است که کتاب من و کتاب‌های مشابه آن وارد متون درسی بوسنی شود و چون در بوسنی صحبت کردن درباره این قضیه ممنوع است و کتاب به گونه‌ای نوشته شده که افراد را به خشونت دعوت نمی‌کند به همین خاطر برای کودکان مناسب است. امیر سولیاگیچ، نویسنده کتاب «کارت‌پستال‌هایی از گور» در سخنانی گفت: همیشه احساساتی که در درونم بود اجازه نمی‌داد از آن واقعه بنویسم و سعی کردم مطالبی را بنویسم که خواننده تحملش را داشته باشد و به این طریق ادای دینی به کسانی که قربانی این راه هستند داشته باشم.

سیدمهدی شجاعی در نمایشگاه کتاب:

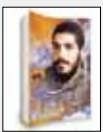
«کمی دیرتر تو شاید آخرین اثر اجتماعی‌ام باشد»

سیدمهدی شجاعی با حضور در نمایشگاه کتاب، علاوه بر دیدار با مخاطبان خود، در نشست با اهالی رسانه به طرح دغدغه‌های خویش و پاسخ به سوالات حاضران پرداخت. به گزارش فارس، شجاعی در پاسخ به سؤالی درباره رمان تازماش و آنچه در آن اتفاق می‌افتد گفت: زمانی که رمان «کمی دیرتر» منتشر شد حس کردم هنوز در این کار فضایی خالی وجود دارد، یعنی نقدهایی بر مجموعه‌هایی وارد بود که در این رمان به آن اشاره نشده بود و همین مساله دلیل نوشتن جلد دوم این رمان شد اما این نوشتن بیش از آنچه فکر می‌کردم- چه از نظر زمان و چه از نظر حجم- طولانی‌تر شد. نگاهم این بود که به عنوان داستان با نقد اجتماعی این آخرین اثری باشد که می‌نویسم و عرصه نوشتن را پس از این اثر به سمت و سوی دیگری ببرم. پس می‌خواستم هر چه حرف در این عرصه داشتم را در این رمان بیان کنم. به همین دلیل نگارش آن طول کشید ولی فکر کنم ارزشش را داشت. وی ادامه داد: در جلد اول رمان «کمی دیرتر» مساله انتظار با محوریت فردی و زیست اجتماعی انسان مسود توجه قرار گرفت اما در مجلد دوم انتظار بهانه‌ای است برای پرداختن به مسائل دیگر. شاید بشود گفت کمتر مساله اجتماعی دارای اهمیتی هست که در این اثر به آن پرداخته نشده باشد.

رکوردی بی‌سابقه در بازار نشر

عبور «سلام بر ابراهیم» از یک میلیون نسخه

کتاب «سلام بر ابراهیم» زندگی‌نامه و خاطرات شهید ابراهیم هادی از مرز یک میلیون نسخه گذر کرد. به گزارش فارس، سلام بر ابراهیم کتابی است که در قالب زندگی‌نامه‌های مختصر همراه با ۶۹ خاطره درباره شهید بزرگوار و مفقودالتر «بر ابراهیم هادی» منتشر شده است. این نوشتار حاصل بیش از ۵۰ مصاحبه از خانواده، یاران و دوستان آن شهید است که همگی نگارنده را در گردآوری این مجموعه ارزشمند یاری رساندند. این کتاب که یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های دفاع مقدس به شمار می‌رود، توانسته به شمارگان یک میلیون نسخه دست یابد که در نوع خود رقمی بی‌سابقه به شمار می‌رود. همچنین رهبر انقلاب نیز پیش از این تقریبی متفاوت بر این کتاب نوشتند و از آن به عنوان کتابی که «دل‌نمی‌آمد کتاب را از روی میز بردارم و در قفسه بگذارم» یاد کردند.



نگاهی به کتاب بازار سیاه گیسو

وقتی تار مویی مرز میان طنز و فکاهی است

طنز مایه‌های ماندگاری دارد و با عناصری ماندگار در تکراری ایجاد می‌کند که هرگز نمی‌میرند اما فکاهی در اشیا و کارکترهای گذرا و میرا می‌ماند و با از بین رفتن آنها، مستهلک شده و از بین می‌رود. وقتی «سیداکبر میرجعفری» به مزاح با «عبدالرحیم سعیدی‌راد» می‌پردازد و از اتفاقی شخصی که برای او و چند نفر از دوستان در جایی افتاده به مطایبه سخن می‌گوید، نباید انتظار داشته باشد ادبیات از این ابیات به طنز یاد کند، چون هیچ وجه بیرونی و تکرارشدنی برای اجتماع و ادبیات ندارد، چون این اتفاقات تکراری هستند و قابلیت تیب شدن را ندارند. گویا خود میرجعفری این تفاوت را می‌داند و حداقل در ناخودآگاه خود، به آن عنایت دارد اما طبیعت شوخ‌برواز و طنزناش اجازه نمی‌دهد زیاد در این باره وسواس به خرج دهد، بنابراین می‌سراید و می‌سراید و با طبعی روان، ابیات طنز و فکاهی را در یک اثر به هم درمی‌آمیزد. این نوسان میان طنز و فکاهی البته خاص او نیست. غالب شاعران خنده‌افزین زمانه، به این صفت آراسته‌اند. خیلی‌ها هم البته هستند که همیشه فکاهی می‌نوشتند و در عمرشان یک سطر یا یک بیت طنز نداشته‌اند، خودشان را طنزنویس می‌دانند؛ هیچ‌وقت هم نه خودشان و

نگاه

رضا ششیبانی: «بازار سیاه گیسو» مجموعه سروده‌های «طنز/ فکاهه» اکبر میرجعفری است. سیداکبر در این مجموعه آنجا که می‌خنداند غالباً به طنز می‌خنداند و گاهی نیز با فکاهی. این را همین ابتدای عرایض باید گوشزد کنم که فرقی است قابل تامل میان طنز و فکاهی. هر چند اغلب خوانندگان بخوبی از این تفاوت اطلاع دارند اما دقت در زوایای تفاوت طنز و فکاهه خالی از لطف نیست. «عمران صلاحی» در این باره می‌گوید: «وقتی هجو از حالت شخصی درمی‌آید و جنبه عام به خود می‌گیرد، تبدیل به طنز می‌شود. وقتی هم هزل از دایره محدود و خصوصی‌اش درمی‌آید، تبدیل به فکاهه می‌شود. در ادب کهن به هزل معتدل، «مطایبه» می‌گفتند که خیلی نزدیک به فکاهه امروز است.» حال اگر از این تعریف نیمه‌درست صلاحی بگذریم و بخواهیم تعریفی دقیق‌تر و علمی‌تر از تفاوت طنز و فکاهه ارائه کنیم، رجوع به آرای استاد «محمدرضا شفیع‌ی‌کدکنی» گروه‌گشااست. شفیع‌ی‌کدکنی در کتاب «با چراغ و آینه» تعریف می‌کند دوستی آمده بود و شعرهای فکاهه ره‌ی را با ذوق برایش می‌خواند. شفیع‌ی توضیح می‌دهد در پاسخ آن دوست گفتیم: «اینها شعر یک بار مصرف است و تاریخ مصرف آن هم، زمان سروده شدن آن. و از آنجا که هیچ‌گاه چنین واقعه‌ای با این مشخصات لفظی و عینی دیگر تکرار نخواهد شد، لذت بردن از این شعرها هم هرگز تکرار نخواهد شد.» شفیع‌ی‌کدکنی در ادامه توضیح می‌دهد: «... تمام طنزهای موفق تاریخ آنهایی هستند که هنرمند ضمن تصویر هنری اجتماع نقیضین، در خدمت تیاوز به تابوها به ساختن یک تیب موفق شود. تیبی که در تاریخ قابل تکرار باشد؛ نمونه‌اش طنز عبید و...» (با چراغ و آینه/ صفحه ۴۶۹)

